

اور ازان

اثری از:

جلال آل احمد

سرشناسه: آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ . Al Ahmad, Jalal

عنوان و نام پدیدآور: اورازان / اثری از جلال آل احمد.

مشخصات نشر: تهران : ساحل گیسوم ، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: ۷۰۰۰ ریال 978-622-6002-45-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر در بینهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع: جامعه‌شناسی روستایی

موضوع: Sociology, Rural

موضوع: اورازان -- روستای ابرمانی

موضوع: Urazan (Iran) - Social conditions

رده بندی کنگره: DSR ۷۳۰.۷۳۲ ۱۷

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۱۲۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۹۶۴۸۱

نام کتاب: اورازان

نویسنده: جلال آل احمد

ناشر: ساحل گیسوم

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: ولیعصر

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۰۲-۴۵-۵

فہرست مطالب

۷	 مقدمہ
۱۳	 بخش اول
۱۹	 بخش دوم
۲۳	 بخش سوم
۲۸	 بخش چہارم
۳۲	 بخش پنجم
۳۷	 بخش ششم
۴۱	 بخش ہفتم
۴۶	 ۸ - فرہنگ لغات اورازانی
۶۲	 بخش نہم
۶۲	 الف - چند تعبیر و جملہ و مثل اورازانی
۶۴	 ب - دو لالایی
۶۵	 ج - دو بازی بچگانہ
۶۷	 د - قصہ
۶۸	 ۱۱ - چند نکتہ ی دستوری
۶۸	 الف - وضع صفت و موصوف
۶۸	 ب - وضع مضاف و مضاف الیہ
۶۸	 ج - علامت مفعول صریح (را)

- د-حرف اضافه (از)..... ۶۹
- ه - محل حرف نفی..... ۶۹
- و-فعل (است)..... ۶۹
- ز-جمع فقط با (ان)..... ۶۹
- ۱۲- بند نکته مربوط به صوت شناسی ۷۱
- ا- قلب و تحریف کلمات عربی..... ۷۱
- ب-تبدیل حروف..... ۷۱
- ج - سدید حروف..... ۷۲

مقدمه

گروه در عرف و سیاست و فرهنگ و مطبوعات معاصر مملکت ما یک ده در هیچ مورد به هیچ سوابق و اید ولی بهر صورت هسته اصلی تشکیلات اجتماعی این سرزمین و زمینه اصلی مساوات درباره تمدن آن همین دهات پراکنده است که نه کنجکاوی متبعان را می‌انگیزد، نه حتی علاقمندی خریداران رای و سیاستمداران و صاحبان امر را. چرا - گاهی اتفاق افتاده است که مستشرقی یا لهجه شناسی بعنوان تحقیق د لهجه دورافتاده ای سری به دهات می‌آورده است و مجموعه ای نیز گرد آورده است ولی غیر از آنچه مربوط بمورد ساقه اوست، نه از مردم این دهات و نه از آداب و رسومشان و نه از وضع معیشتشان چیزی را به دست آورده می‌توان یافت بسیار گذرا و سرسری است. تقصیر هم از کسی نیست. شناسنامه‌های این سرزمین آنقدر فراوان است که کمتر کسی حوصله می‌کند به چنین موضوع حقیری بپردازد و وقت عزیز خود را درباره یک ده - یک ده بی نام و نشان - که در هیچ نقشه ای نشانه ای از آن نیست و حتی در جغرافیاهای بزرگ و دقیق نیز بیش از دو سه خط بآن اختصاص داده نمی‌شود، صرف کند. با اینهمه این مختصر درباره چنین موضوع حقیری فراهم شده است. نویسندگان این مختصر نه لهجه شناسی است و نه درین صفحات با مردم شناسی و قواعد - و یا با اقتصاد سر و کاری دارد و نه قصد این را دارد که قضاوتی درباره امری بکند که مقدماتش درین جزوه آمده است، بلکه سعی کرده

است با صف دقتی که اندکی از حد متعارف بیشتر است یک ده دورافتاده را با تمام مشخصات آن ببیند و از آنچه دیده است مجموعه مختصری فراهم بیاورد، حاوی تکاپوی زندگی روزمره مردم آن ده و نشان بدهد که موضوع هرچه خلاصه تر و حقیرتر باشد به جال دقت و تحقیق گشاده تر خواهد بود.

یادمان برده شود که آنچه درین مجموعه آمده است بر آنچه در دیگر دهات ایران می‌گذرد امتیازی دارد و مثلاً بهمین علت جلب نظر نویسندگان را کرده است. البته چنین زمانی خطاست. «اورازان» ده مورد بحث این مختصر - دهی است مثل هزاران ده دیگر. آن که زمینش را با خیش شخم می‌زنند و بر سر تقسیم آبش همیشه دعوا برپاست و مردمش به ندرت حمام دارند و چایی شان را با کشمش و خرما می‌خورند. و اگر بر سر باده این سطور آنرا برگزیده بعلت علایقی بوده است که به آنجا داشته. «اورازان» مملکت جال او بوده است و از نظر وابستگی‌های مادی و معنوی بخصوصی که در «گره موارد انگیزه رفت و آمدهای ازده به شهر و از شهر به ده می‌شود، تا کنون پنج شش بار. احتیاج سفری بآن ناحیه برای او دست داده است که آخرین آنها در تابستان 1326 بوده. مجموع مدت اقامت نویسنده در آنجا ضمن این مسافرتها موسمی و متناوب به بیش از یک سال رسیده و تهیه این یادداشت‌ها مشغولیت ایام اقامت او در آنجا بوده است. و اکنون که نرتیبی به آنها داده می‌شود و برای انتشار آماده می‌گردد خود نویسنده نیز نمی‌داند که آنرا از چه مقوله بدانند؟ آیا سفرنامه است؟ تحقیقی از آداب و رسوم اهالی است؟ یا بحثی درباره لهجه ای است؟ چون وقتی این یادداشتها فراهم می‌شده است هیچ قصدی در کار نبوده. حتی قصد انتشار آن. و همانطور که گذشت فقط مشغولیتی بوده است در ایام فراغت. و برای دیگران نیز اگر به هیچ کاری نخورد دست کم مشغولیتی برای ساعات فراغتشان خواهد بود.

بهر صورت «اورازان» (بروزن جوکاران) ده کوهستانی از تمدن شهری دور افتاده ایست در منتهای شرقی کوهپایه‌های طالقان که نه تنها از دبستان و ژاندارمری و بهداری در آن خبری نیست بلکه اغلب اهالی هنوز با سنگ چخماق و «قو» چپق‌های خودشان را آتش می‌کنند و برای روشن کردن اجاق‌ها و تنورها از چوبهای که پنج شش برابر یک چوب کبریت بلندی دارد و سر آن آغشته بگوگرد است اسفاد می‌کنند.

گرچه در کتاهای رسمی جغرافیایی سکنه آنرا در حدود ۷۰۰ نفر تخمین زده‌اند ولی در حدود صدخان در آن سکونت دارند که بنا بگفته کدخدای محل در سال ۱۳۲۶ جمعا چهارصد و شصت نفر می‌شده‌اند. اورازان از قسمت «بالاطالقان» بحساب می‌آید. این قسمت را دو قسمت دیگر میان و پایین طالقان روی هم رفته در حدود ۸۰ پارچه آبادی وجود دارد. هر کدام به نسبت آب و آبادانی زمین و اطراف خود پرجمعیت تر و یا سوت و کوفت ترند.

خود طالقان دره بزرگی است که امتداد طولی آن از شمال شرقی به جنوب غربی است. در ته این دره از شمالی ترین نقاط آن رودخانه محل یعنی «شاهرود» با جریانی تند و آبی کف کرده روان است و پس از پیمودن تمام طالقان در حدود طارم با «قزل اوزن» می‌پیوندد و بصورت سفید رود از گیلان می‌گذرد. بدریای خزر می‌ریزد.

در دو دامنه جنوبی و شمالی همین رودخانه، دهات طالقان پراکنده است. بالا طالقان کوهستانی تر و سردسیرتر است و هرچه بپایین طالقان نزدی بشوید بجلگه نزدیک تر می‌شوید. طالقان از شمال و مغرب به تنکابن و الموت محدود است و از جنوب به ساوجبلاق. کوههای شرقی طالقان متصل است به کوههای غربی جاده

کرج به چالوس. در چنین ناحیه ای است که اورازان قرار گرفته. در دوره بیست ساله... کوشش‌های برای ایجاد جاده شوسه برای طالقان شد که از آن بعد متروک مانده است. راه‌ها مالرو است و هنوز «شاهرود» بزرگترین وسیله حمل و نقل است. باین معنی که در اواخر تابستان تمام چوبهائی را که در تمام طالقان قطع می‌کنند برودند و می‌اندازند و بوسیله جریان تند آب حمل می‌کنند.

این بود مختصری درباره موقع و محل جغرافیایی ناحیه ای که ده مورد بحث یکی از آبادی‌های آن است. تمام طالقانیها زبان خود را «تاتی» می‌دانند. توجه آنها چه در امور مادی و تمدنی و چه در مسایل مربوط به زبان و فرهنگ به مازندران است. نمونه‌های کوتاهی که درین مورد داده شده است موید این مدعاست. برای اینکه دقت بیشتری بکار برده شده باشد اانات و اصطلاحات محلی بحروف لاتین نیز ضبط شده است.

عکس‌ها و نقشه‌ها «دست پخت شمس» است. طرح نقشه‌ها و اشکال و ظروف محلی را آقای بهمن محصص کشیده اند. گذشته از ایشان. اید از زن عزیزم تشکر کنم که زحمت ترجمه این مقدمه را به انگلیسی بر خود هوائه خسته و بیش از همه مرهون تشویق‌ها و قدردانی‌های دوست فاضل خویش آقای ایران پرست هستم. آن خاکستر می‌پاشند و گرچه با زمین چندان سر بسر نمی‌گردند. می‌کود مزارع آنهاست.

از مراتع اطراف ده که پوشیده است از «کما» و «گون» که اولی خوراک زمستانی گاو و گوسفند آنهاست و دومی هیزم اجاق‌ها و تنوری هاشان. در سراسر فصل کار، علف می‌چینند و بده می‌آورند و روی بام خانه‌ها تل انباری بلند می‌سازند که از دور همچون گنبدی بچشم می‌خورد. «کما» بقدری خوشبو است

که آدم آرزو می کند کاش می توانست از آن بخورد. حتی پنیری که در محل می سازند این بو را حفظ می کند. و بوته های گون گاهی بقدری بلند می شود که یک قاطر با بارش می تواند در آن فرو برود و چنان تند می سوزد و شعله می افرازد که در تاریکی شب تپه های اطراف را نیز روشن می سازد. و بهترین وسیله راه جویی برای چادر دارانی است که در زمستان سفر می کنند. خیلی ساده باید برف بوته را بکنار رده سنگ چخماق بکار برد. با همان یک جرعه می گیرد. و تازگی ها نیز آموخته اند که از ساقه های همین گون کتیرا بگیرند. کولیها این هنر را به آنان آموخته اند. کولیها فقط تابستانها پیدایشان می شود. نه رقصی می دانند و نه آوازی می خوانند. چند تا سر دانه در برابر آن سگ - سیاه چادر خود را که علم کردند کوره کوچکی هم بر پا می کنند. زنهای آن به خوشه چینی و در یوزگی و مردها به آهنگری. یک ماهی اطراق می کنند.

«چلینگر» نامی است که اهالی بانه که به آن می دهند. فقط گاهی آوازی آنان بگوش می رسد که چوپانهای ده خیلی از آنان آموخته ترند. اما در خود ده از رقص و آواز خبری نیست. مگر عروسی بکنند تا هلهله آید. راه بیفتد و دستی بکوبند و پایی بیفشانند. عروسی ها را بفصل بیکاری محول می کنند. یعنی به اوایل پاییز که خرمن ها برداشته شده و کشت سال آینده نیز آماده گشته است و حتی گردوها را نیز از درختها چیده اند و انبار کرده اند.

اطلاقی که تابستانها در آن بسر می برند انبار زمستانی آنهاست که خشک است و روزنه بیشتر دارد. سقف خانه ها را تیر می پوشانند و کاهگل می کنند و دیوارها تا کمر از سنگ و باقی باچینه است. در خانه هایی که تازه تر است خشت هم بکار رفته. درون خانه ها را باگل می اندایند و اگر خواسته باشند تفتنی بکار برند بجای گل

عادی برای اندودن گل سفید بکار می‌برند. و بآن «دون» می‌گویند.

اما در امامزاده ده که اهالی «معصوم زاده» اش می‌نامند برای سفید کاری گچ بکار برده اند. بناهای عمومی ده یکی همین معصوم زاده است که باید محرم و صفری در پیش باشد تا رفت و روبش کنند؛ و بعد حمام ده که با گون گرمش می‌کند و گون انباری که بر برپام آن انباشته اند از گنبد امامزاده نیز بلندتر است. دو تالم مسجد دارند طکی که اطاقکی بیش نیست و تنها مسجد است و دیگری مسجد بزرگ، که محل اجتماعات است و حسینیه است. هم حیاط دارد هم سرپوشیده و هم «نار» حرم در آنست.

تنها زینتی که در تمام بناهای ده می‌توان دید یکی توفال سقفهاست که نهایت تفنن و دقت در آن بکار رفته است. به آن «پردو» می‌گویند. و دیگر گاهی پنجره‌های مشبکی که از قدیم هنر زینتی بوده است و دیگر سرتیرهایی که از سرپوشیده ایوان‌ها بیرون می‌گذارند و تراشی به آن می‌دهند و به آن «نکاس» می‌گویند.